

840-142

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 839, 840

Date of filing: 04/10/1997

** AWARD - Type of Award Award
- Date of Award 1 Oct 1997
 pages in English 30 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision
 pages in English pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of
- Date
 pages in English pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of
- Date
 pages in English pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of
- Date
 pages in English pages in Farsi

** OTHER; Nature of document:

- Date
 pages in English pages in Farsi

AWARD

Cases Nos. 839 and 840

Chamber Three

AWARD No. 584-839/840-3

پرونده های شماره ۸۳۹ و ۸۴۰

شعبه سه

حکم شماره ۳-۸۴۰/۸۳۹-۵۸۴

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد
FILED
1 - OCT 1997
تاریخ ۱۳۷۶ / ۷ / ۹

عوزیل اریه،

الياهو اریه،

خواهانها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

English version
Filed on 25 SEP 1997
نسخه انگلیسی در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۳۷۶
ثبت شده است.

حکم

حاضران

از طرف خواهانها:

آقای عوزیل اریه،
 آقای الياهو اریه،
 خواهانها،
 آقای لوئیس ام. جانسون،
 آقای جان ا. وستبرگ،
 وکلای خواهانها،
 آقای جبرئیل اریه،
 شاهد،
 آقای منوچهر وهمن،
 شاهد کارشناس،

از طرف خواننده:

آقای محمدحسین زاهدین لیاف،
 نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،
 آقای فریدون مؤمنی،
 آقای دکتر علی اکبر ریاضی،
 مشاوران حقوقی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،
 آقای رسول بدری امری،
 دستیار حقوقی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،
 آقای مهدی گلچین،
 شاهد،

سایر حاضران:

آقای دی. استیفن متایس،
 نماینده رابط ایالات متحده آمریکا،
 دکتر شان دی. مورفی،
 قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا.

فهرست مندرجات

<u>بند</u>	
اول - <u>پیشگفتار</u>	۱
دوم - <u>سابقه رسیدگی</u>	۳
سوم - <u>موضوعات صلاحیتی</u>	۱۳
تابعیت غالب و موثر خواهانها	۱۳
۱ - <u>واقعیات و اظهارات</u>	۱۶
۲ - <u>یافته های دیوان درباره تابعیت غالب و موثر خواهانها</u>	۲۱
چهارم - <u>ماهیت دعاوی</u>	۲۳
<u>مالکیت</u>	۲۳
۱ - <u>دعاوی مبتنی بر مالکیت انتفاعی</u>	۲۴
الف - اظهارات خواهانها	۲۴
ب - اظهارات خواننده	۲۹
ج - یافته های دیوان	۳۳
۲ - <u>دعاوی مبتنی بر وصیتنامه یحیی اریه</u>	۵۳
الف - اظهارات خواهانها	۵۳
ب - اظهارات خواننده	۵۷
ج - یافته های دیوان	۶۵
پنجم - <u>حکم</u>	۷۴

اول - پیشگفتار

۱ - خواهانهای پرونده های حاضر دو برادرند، به اسامی عوزیل اریه (پرونده شماره ۸۳۹) و الياهو اریه (پرونده شماره ۸۴۰) که تابعیت مضاعف ایران و ایالات متحده را دارند و مقیم ایالات متحده هستند ("خواهانها"). خواننده، جمهوری اسلامی ایران است ("خواننده" یا "جمهوری اسلامی"). خواهانها ادعا می‌کنند که مشاعاً مالک چند قطعه زمین واقع در دهات کرج (شهری به فاصله تقریباً ۴۰ کیلومتری شمال غرب تهران) بوده اند؛ چند قطعه از اراضی در سال ۱۹۷۵ از پدرشان به ارث به آنها رسیده و مابقی قطعات در اواسط دهه ۱۹۷۰ توسط برادرشان، جبرئیل اریه، انتفاعاً برای آنها خریداری شده است. خواهانها اظهار می‌کنند که زمینهای مزبور در حدود ماه مه ۱۹۷۹ توسط خواننده مصادره شده و پس از اصلاح خواسته، غرامتی به مبلغ ۴,۰۳۴,۷۲۸/۰۵ دلار و نیز بهره و هزینه های دادرسی مطالبه می‌کنند.

۲ - خواننده منکر مسئولیت دولت است و از جمله استدلال می‌کند که: تابعیت غالب و مؤثر خواهانها تابعیت ایالات متحده نیست، و به این دلیل، دیوان نسبت به دعاوی آنها صلاحیت رسیدگی ندارد؛ خواهانها از عهده اثبات مالکیت زمینهای مورد بحث برنیامده اند؛ جمهوری اسلامی زمینهای متعلق به خواهانها را مصادره نکرده است؛ و دعاوی خواهانها باید با اعمال اخطار مهم مندرج در پرونده شماره الف - ۱۸ ممنوع از طرح اعلام گردد.

دوم - سابقه رسیدگی

۳ - خواهانهای پرونده های شماره ۸۳۹ و ۸۴۰ در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] دادخواستهای جداگانه ای ثبت کردند.

۴ - طی دستور مورخ هفتم خردادماه ۱۳۶۴ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۵] دیوان خاطرنشان کرد که هیئت عمومی دیوان در پرونده شماره الف - ۱۸ نظر داده است که "دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف (اتباع ایران و ایالات متحده) علیه ایران را در مواردی دارد که تابعیت

غالب و مؤثر خواهان طی دوره زیربیط (از تاریخ ایجاد ادعا تا تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱/۲۹ دیمه ۱۳۵۹) تابعیت ایالات متحده بوده است" و به طرفین دستور داد که کلیه ادله مستندی را که مایلند دیوان در هنگام رسیدگی به موضوع تابعیت مورد بررسی قرار دهد ثبت نمایند. در تاریخهای ۱۱ و ۲۹ شهریورماه ۱۳۶۴، ۲۴ اسفندماه ۱۳۶۹ و ۲۴ مهرماه ۱۳۷۰ [دوم و بیستم سپتامبر ۱۹۸۵، ۱۵ مارس ۱۹۹۱ و ۱۶ اکتبر ۱۹۹۶] خواهانها لوائیحی درباره تابعیت خود ثبت کردند. در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ [۲۰ مه ۱۹۹۱] خواننده نامه ای تسلیم و طی آن درخواست کرد که دعوی براساس اخطار مندرج در پرونده شماره الف - ۱۸ رد گردد.

۵ - طی دستور مورخ اول آبانماه ۱۳۷۰ [۲۳ اکتبر ۱۹۹۱] دیوان جریان رسیدگی پرونده های شماره ۸۳۹ و ۸۴۰ را هماهنگ کرد و خاطر نشان نمود که خواهانها برادرند و "ارتباط نزدیک و مشهودی بین دعاوی آنان وجود دارد" و ضمناً "برنامه ای برای تبادل لوائیح آتی مقرر داشت.

۶ - در تاریخ ۱۵ دیمه ۱۳۷۱ [پنجم ژانویه ۱۹۹۳] خواهانها درخواستی مبنی بر ادغام پرونده های خود با پرونده شماره ۲۶۶ که به دعوی برادر دیگرشان، موسی اریه مربوط می شود ثبت و همچنین تقاضا کردند که رسیدگیهای پرونده ها "تا روشن شدن نتیجه مذاکرات مابین خواهانها و خواننده" به حال تعلیق درآید. خواننده در تاریخ ۱۸ دیمه ۱۳۷۱ [هشتم ژانویه ۱۹۹۳] به درخواست مزبور اعتراض کرد و خواهانها در تاریخ ۲۳ دیمه ۱۳۷۱ [۱۳ ژانویه ۱۹۹۳] به آن پاسخ دادند. دیوان طی دستور مورخ ششم بهمن ماه ۱۳۷۱ [۲۶ ژانویه ۱۹۹۳] خاطر نشان نمود که "بین دعاوی مطروحه در پرونده ۲۶۶ و پرونده های حاضر، ارتباط نزدیک آشکاری وجود ندارد" و درخواست هماهنگی یا ادغام سه پرونده را رد کرد. دیوان همچنین تقاضای تعلیق رسیدگیها را نپذیرفت.

۷ - خواهانها در تاریخ ۱۱ فروردین ماه ۱۳۷۲ [۳۱ مارس ۱۹۹۳] لایحه استماعی تسلیم کردند. خواننده در تاریخ هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ [۲۸ آوریل ۱۹۹۴] لایحه خود را درباره موضوعات صلاحیتی و ماهوی تسلیم کرد. در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ [دوم مه

۱۹۹۴] خواهانها بطور غیرمجاز جلد دوم لایحه استماع خود را که حاوی يك گزارش ارزشیابی بود، ثبت کردند و مدرك مزبور طی دستور مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ [۱۳ مه ۱۹۹۴] جز سوابق پرونده پذیرفته شد. طی همان دستور، دیوان از خواننده دعوت کرد که به گزارش ارزشیابی خواهانها پاسخ دهد و خواننده در تاریخ نهم آبانماه ۱۳۷۳ [۳۱ اکتبر ۱۹۹۴] يك لایحه توجیهی درباره ارزشیابی ثبت نمود. خواهانها در تاریخ ۳۰ دیماه ۱۳۷۳ [۲۰ ژانویه ۱۹۹۵] لایحه معارض خود را تسلیم کردند.

۸ - در تاریخ سوم مهرماه ۱۳۷۴ [۲۵ سپتامبر ۱۹۹۵] خواننده از دیوان درخواست کرد که به خواهانها دستور دهد اصل وصیتنامه ای را که در لوائح خود بدان استناد کرده بودند ارائه نمایند. دیوان طی دستور مورخ ۱۲ مهرماه ۱۳۷۴ [چهارم اکتبر ۱۹۹۵] از خواهانها درخواست کرد که اصل وصیتنامه را ارائه نمایند تا خواننده چندین روز پیش از جلسه استماع آن را مورد واریسی قرار دهد.

۹ - خواننده در تاریخ ۲۹ آبانماه ۱۳۷۴ [۲۰ نوامبر ۱۹۹۵] لایحه معارض خود را تسلیم نمود.

۱۰ - در تاریخ ۳۰ آبانماه ۱۳۷۴ [۲۱ نوامبر ۱۹۹۵] خواننده لایحه دولت جمهوری اسلامی ایران درباره اخطار پرونده الف - ۱۸ را تسلیم کرد. دیوان طی دستور مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۷۴ [۱۹ دسامبر ۱۹۹۵] از خواننده درخواست کرد بخشهای زیربط قوانینی را که در لایحه خود نقل کرده تسلیم نماید. بنا به درخواست مورخ ۲۳ آذرماه ۱۳۷۴ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۵] خواهانها، دیوان طی دستور مورخ ۲۸ دیماه ۱۳۷۴ [۱۸ ژانویه ۱۹۹۶] از خواننده درخواست کرد که اطلاعاتی راجع به ارزش منطقه ای اراضی که در ایران در دسترس عموم قرار دارد ارائه نماید و ادله مزبور در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۷۴ [۱۶ فوریه ۱۹۹۶] تسلیم گردید. دیوان همچنین طی دستور فوق الذکر، يك فقره سند معامله را که خواهانها در تاریخ ۲۳ آذرماه ۱۳۷۴ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۵] تسلیم کرده بودند جز سوابق پرونده پذیرفت و علت آن را "مدت زمان باقیمانده تا برگزاری جلسه استماع، نوع سند مورد بحث، و نبود تبعیض مشهودی نسبت به خواننده" ذکر کرد.

- ۱۱ - در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۷۴ [چهارم مارس ۱۹۹۶] خواهانها نامه ای تسلیم و طی آن کوشش کردند توضیح دهند که چرا قادر نیستند در اجرای دستور مورخ ۱۲ مهرماه ۱۳۷۴ [چهارم اکتبر ۱۹۹۵] دیوان، اصل وصیتنامه را ارائه نمایند.
- ۱۲ - جلسه استماع پرونده های حاضر در تاریخهای ۲۲ و ۲۳ اسفندماه ۱۳۷۴ [۱۲ و ۱۳ مارس ۱۹۹۶] برگزار شد. در پاسخ به درخواست خواهانها در جلسه استماع، که مورد اعتراض خواننده واقع نشد، دیوان در تاریخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۷۴ [۱۲ مارس ۱۹۹۶] قبول کرد که دو سند مالکیت جدید تسلیم شده جزو سوابق پرونده منظور گردد.

سوم - موضوعات صلاحیتی

تابعیت غالب و موثر خواهانها

- ۱۳ - خواهانها در ایران و از والدین ایرانی زاده شدند: عوزیل اریه در تاریخ پنجم دیماه ۱۳۱۹ [۲۶ دسامبر ۱۹۴۰] و الیاهو اریه در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۲۲ [۲۳ ژوئن ۱۹۴۲] تولد یافته اند و بنابراین از بدو تولد، تبعه ایران هستند. علاوه براین، عوزیل اریه در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ [۲۱ مه ۱۹۶۳] و الیاهو اریه در تاریخ ۲۷ آبانماه ۱۳۴۵ [۱۸ نوامبر ۱۹۶۶] به تابعیت ایالات متحده درآمدند. در سوابق پرونده دلیلی وجود ندارد که نشان دهد که هیچیک از خواهانها، تابعیت ایرانی خود را طبق قوانین ایران و یا تابعیت آمریکایی خود را طبق قوانین ایالات متحده ترك کرده یا به نحو دیگری از دست داده باشد. در نتیجه، دیوان نظر می‌دهد که خواهانها به ترتیب از ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ و ۲۷ آبانماه ۱۳۴۵ [۲۱ مه ۱۹۶۳ و ۱۸ نوامبر ۱۹۶۶] اتباع هر دو کشور ایران و ایالات متحده بوده اند.
- ۱۴ - در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] هیئت عمومی دیوان تصمیمی در پرونده شماره الف - ۱۸ صادر کرد و طی آن نظر داد که دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف (اتباع ایران و ایالات متحده) علیه ایران را "در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذریبط (از تاریخ ایجاد ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱/۲۹ دیماه

۱۳۵۹) تابعیت ایالات متحده بوده است.^۱ براساس این نظر، برای احراز صلاحیت دیوان نسبت به دعاوی خواهانها، باید ثابت شود که تابعیت ایالات متحده آنها طی دوره ذیربط، یعنی از تاریخ بروز دعاوی آنان تا تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] (تاریخ قطع صلاحیت دیوان)، تابعیت غالب و موثر بوده است. دیوان پیش از این نظر داده است که اموال خانواده اریه در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۱۴ مه ۱۹۷۹] توسط جمهوری اسلامی ایران مصادره شده است. بنگرید به: موسی اریه و جمهوری اسلامی ایران، بند ۴۹ حکم شماره ۲-۲۶۶-۵۸۳، مورخ سوم مهر ماه ۱۳۷۶ [۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷] چاپ شده در - Iran-U.S. C.T.R. - بنا براین، از لحاظ بررسی موضوع تابعیت غالب و موثر خواهانها، دیوان نتیجه می‌گیرد که دوره ذیربط بین ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۴ مه ۱۹۷۹ و ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] واقع است.

۱۵ - برای آنکه دیوان در موضوع تابعیت غالب و موثر خواهانها در طول دوره ذیربط به نتیجه ای دست یابد، باید تعیین کند که آیا خواهانها در طول دوره مزبور پیوندهای محکمتری با ایران داشتند یا با ایالات متحده و برای این منظور دیوان باید کلیه عوامل ذیربط، مانند محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی را مورد بررسی قرار دهد. بنگرید به: پرونده شماره الف - ۱۸، تصمیم شماره ۳۲ - الف ۱۸ هیئت عمومی دیوان، 5 Iran-U.S. C.T.R. at 265. در عین حال که صلاحیت دیوان منوط به تابعیت غالب و موثر خواهانها در طول دوره ذیربط، یعنی بین ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۴ مه ۱۹۷۹ و ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] است، "لازم است رویدادهای زندگی خواهان قبل از این تاریخ مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد. در واقع، تمام عمر خواهان از بدو تولد، و کلیه عواملی که در فاصله این مدت، بر واقعیت و خلوص نیت او در انتخاب تابعیت مورد ادعای وی دلالت داشته باشند، حائز اهمیت هستند." بنگرید به: رضا سعید مالک و دولت جمهوری اسلامی ایران، قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن

^۱ جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، تصمیم شماره ۳۲ - الف ۱۸ هیئت عمومی دیوان مورخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴]، چاپ شده در an-U.S. C.T.R. 251, 265 Ir (منبع، "پرونده شماره الف - ۱۸").

۱ - واقعیات و اظهارات

۱۶ - سوابق پرونده نشان می‌دهد که عوزیل اریه از تاریخ پنجم دیماه ۱۳۱۹ تا فروردین ماه ۱۳۲۶ [۲۶ دسامبر ۱۹۴۰ تا مارس ۱۹۴۷] در ایران زندگی کرده و در این سال، یعنی در سن ۶ سالگی همراه خانواده خود به ایالات متحده نقل مکان نمود. وی مدعی است که از آن تاریخ تاکنون در ایالات متحده زیسته و حتی هیچگاه به قصد دیدار نیز به ایران سفر نکرده است. خواهان در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ [۲۱ مه ۱۹۶۳] به تابعیت ایالات متحده درآمد. وی مدعی است که تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در نیویورک گذرانید و سپس وارد یک مدرسه مذهبی در ایالت نیوجرسی شد و مدت چهار سال تا سال ۱۹۶۸ در آنجا مشغول تحصیل بود. وی خاخام رسمی جامعه کلیمیان ارتودوکس می‌باشد. خواهان در ماه مارس ۱۹۷۱ با یک تبعه ایالات متحده ازدواج کرد و زوجین صاحب ۹ فرزند هستند. حسب اظهار، خواهان از تاریخ انتصاب به عنوان خاخام در سال ۱۹۶۹، به عنوان دستیار یا جانشین خاخام برای جماعت کنیسه خود، و نیز به عنوان عضو هیئت منصفه دادگاه خدمت کرده است.

۱۷ - علاوه براین، خواهان و همسرش خانه ای در نیویورک دارند که در سال ۱۹۷۵ خریداری کردند و وی مدعی است که از سال ۱۹۷۰ به بعد مالیاتهای شهری، ایالتی و فدرال را پرداخته است. وی ادعا می‌کند که هیچگاه گذرنامه ایرانی نداشته و هیچگاه شناسنامه ایرانی به نامش صادر نشده و در سال ۱۹۶۸ گذرنامه آمریکایی گرفت.

۱۸ - سوابق پرونده مضافاً نشان می‌دهد که الیا هو اریه از تاریخ دوم تیرماه ۱۳۲۲ تا فروردین ماه ۱۳۲۶ [۲۳ ژوئن ۱۹۴۳ تا مارس ۱۹۴۷] در ایران زندگی کرد، و در این سال، یعنی در سن سه سالگی همراه خانواده خود به ایالات متحده نقل مکان نمود. وی در تاریخ ۲۷ آبانماه ۱۳۴۵ [۱۸ نوامبر ۱۹۶۶] به تابعیت ایالات متحده درآمد. نامبرده ادعا می‌کند که تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در نیویورک به پایان رساند و از دانشکده ای در ایالت

مریلند درجه لیسانس گرفت و سپس از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۵ در يك مدرسه مذهبی در ایالت نیوجرسی تحصیل کرد. در فاصله سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۲ وی در اسرائیل به تحصیل پرداخت و سپس به مدرسه مذهبی در نیوجرسی مراجعت کرد و تا سال ۱۹۸۲ در آنجا بود. وی خاخام رسمی جامعه کلیمیان ارتدکس می‌باشد. خواهان در ژانویه ۱۹۷۵ با يك تبعه ایالات متحده ازدواج کرد و زوجین هفت فرزند دارند.^۲ حسب اظهار، وی از تاریخ انتصاب به عنوان خاخام در سال ۱۹۶۹، به عنوان دستیار یا جانشین خاخام برای جماعت کنیسه خود و نیز به عنوان عضو هیئت منصفه دادگاه خدمت کرده است. وی در آوریل ۱۹۶۷ گذرنامه آمریکایی گرفت.

۱۹ - خواهانها نتیجه گیری می‌کنند که تابعیت غالب و موثر آنان تابعیت ایالات متحده است زیرا در آن کشور بزرگ شده و تربیت یافته اند، کلیه پیوندهای عاطفی، اجتماعی و اقتصادی آنها با آن کشور بوده است و جز ادعاهای خود بابت چند قطعه زمین، پیوند دیگری با ایران ندارند.

۲۰ - خواننده خاطرنشان می‌نماید که بار دلیل بر دوش خواهانهاست که ثابت کنند تابعیت آمریکایی آنان نسبت به تابعیت ایرانی‌شان غلبه دارد، و اظهار می‌دارد که خواهانها این امر را در حد ظاهر اثبات نکرده اند. خواننده استدلال می‌کند که فقد ادله در اثبات وابستگی خواهانها به جامعه ایران به خودی خود کافی برای اثبات غلبه تابعیت ایالات متحده آنها نیست. وی مضافاً" استدلال می‌کند که ادله ارائه شده توسط خواهانها کافی برای اثبات تابعیت آمریکایی خواهانهاست و نه اثبات غلبه آن تابعیت.

۲ - یافته های دیوان درباره تابعیت غالب و موثر خواهانها

۲۱ - دیوان ملاحظه می‌نماید که خواهانها در موقع ترك ایران خردسالانی به ترتیب ۶ و ۳ ساله بودند و قبل از اینکه ادعاهایشان، حسب اظهار، ایجاد شود به مدت حداقل ۳۰ سال در ایالات

^۲ همسر وی، میرله، در بدو تولد تبعه کشور مصر بود و در آوریل ۱۹۶۵، یعنی تقریباً ده سال قبل از ازدواج با خواهان به تابعیت ایالات متحده درآمد.

متحدہ زندگی کردہ بودند. علاوه براین، عوزیل اریه ۱۶ سال و الیاهو اریه ۱۲ سال از آن مدت را در ایالات متحدہ بہ عنوان تبعہ آن کشور زندگی کردند. بہ علاوه، خواہانہا با اتباع ایالات متحدہ ازدواج کردہ اند و فرزندان آنان در آن کشور تولد یافتہ اند و عوزیل اریه در آن کشور صاحب خانہ ای است.^۳

۲۲ - براین اساس، دیوان نظر می‌دهد کہ علیرغم اینکہ خرید ادعایی املاک در ایران توسط خواہانہا نشان می‌دهد کہ آنان ہمہ پیوندهای خود را با ایران قطع نکردند، لیکن این عامل، پیوندهای بہ مراتب محکمتر و طولانی‌تر آنان را با ایالات متحدہ تحت الشعاع قرار نمی‌دهد. فعالیتہای شخصی و اقتصادی آنان در سراسر زندگی‌شان بہ عنوان افراد بالغ در ایالات متحدہ متمرکز بودہ است. بنابراین دیوان نظر می‌دهد کہ تابعیت غالب و مؤثر خواہانہا از ہنگام بروز ادعایشان در تاریخ ۲۴ اردیبہشت ماہ ۱۳۵۸ [۱۴ مه ۱۹۷۹] تا تاریخ ۲۹ دیماہ ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویہ ۱۹۸۱] تابعیت ایالات متحدہ بودہ، بطوری کہ دیوان طبق بند ۱ مادہ دو و بند ۱ مادہ ہفت بیانیہ حل و فصل دعاوی، صلاحیت رسیدگی بہ دعاوی آنان را دارد.

چہارم - ماہیت دعاوی

مالکیت

۲۲ - دعاوی ملکی خواہانہا بہ دو گروہ تقسیم می‌شود: نخست اینکہ، خواہانہا بابت زمینہایی مطالبہ غرامت می‌کنند کہ حسب ادعا، توسط برادر خواہانہا جبرئیل اریه، از طرف خواہانہا خریداری و بہ نام خود جبرئیل یا ہمسروئی ثبت شدہ است. این املاک مرکب است از چند قطعہ زمین واقع در دہات کرج کہ شہری است در شمال غرب تہران. دوم اینکہ، خواہانہا بابت زمینہی مطالبہ غرامت می‌کنند کہ حسب اظہار، از طریق ارث، طبق وصیتنامہ پدر متوفای خود، یحیی اریه ("وصیتنامہ") بہ آنها رسیدہ است. این قطعہ زمین

^۳ الیاهو اریہ در سال ۱۹۸۲، یعنی بعد از تاریخ قطع صلاحیت دیوان، در ایالات متحدہ خانہ خرید.

تقریباً" -/۱۰۰,۰۰۰ مترمربع مساحت دارد و در وردآورد کرج واقع است.

۱ - دعاوی مبتنی بر مالکیت انتفاعی

الف - اظهارات خواهانها

۲۴ - خواهانها بابت مصادره املاکی مطالبه غرامت می‌کنند که حسب ادعا بین سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۷ توسط برادرشان جبرئیل اریه، که در آن زمان در ایران زندگی می‌کرد برای آنها خریداری شده است. کلیه املاک مزبور یا به نام جبرئیل اریه و یا به نام همسرش، ناوا دیدیسیون، ثبت شده است، لیکن خواهانها ادعا می‌کنند که جبرئیل یا همسر وی فقط اسما" صاحب ملک بودند و خواهانها مالکین انتفاعی بوده اند.

۲۵ - مبنای این ادعا، در شهادتنامه عوزیل اریه مندرج است که در آن اظهار شده است که:

برادر من، الياهو...، و من از برادرمان، جبرئیل اریه خواستیم طی دهه ۱۹۷۰ مستغلات مختلفی را در ایران برای ما بخرد. ما کلیه وجوه لازم برای خرید املاک مذکور را پرداختیم... با این تفاهم که جبرئیل اریه اسناد مالکیت را به نام خودش به نفع ما خواهد گرفت و این املاک را هر نحو که ما بخواهیم به نفع ما به غیر واگذار خواهد کرد یا خواهد فروخت... توافق ما با جبرئیل این بود که او پنج درصد (۵%) از عواید فروش را به عنوان اجرت خود برای انجام کارها به حساب ما به منظور خرید، نگاهداری و فروش املاک بردارد.

شهادتنامه الياهو اریه نیز تقریباً" مشابه است.

۲۶ - خواهانها به منظور ادای توضیح بیشتر درباره اظهارات خود، شهادتنامه ای از جبرئیل اریه تسلیم کرده اند که در آن وی اظهار داشته است که:

پس از مراجعت و استقرار برای کار در تهران اینجانب با خانواده خود در آمریکا ارتباط مستمر داشتم و هر دو یا سه سال برای دیدار آنها به نیویورک

سفر می‌کردم. نظر به اینکه در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تهران در حال رشد بود موقعیت خود را برای سرمایه‌گذاری در اراضی غرب تهران و نزدیک کرج مساعد دانستم. . . .

ضمن بحث با برادرانم در نیویورک، از من خواستند که در موضوع خرید ملک و سرمایه‌گذاری به عنوان کارگزار آنها اقدام کنم. برادران نامبرده هر يك اسنادی امضا کردند و اینجانب را برای خرید ملک وکیل و کارگزار خود قرار دادند. . . .

در مورد برادرانم، موسی توانستم با استفاده از شماره شناسنامه اش املاک را مستقیماً به نام او منتقل کنم ولی در مورد سایر برادرانم توافق شد که به منظور سهولت، من املاک را به نام خود و به حساب آنها خریداری کنم. اینجانب علاوه بر وکالت عوزیل و الیاهو، به جای برادرانم نوریل، اوریل، امانوئل و ساموئل نیز در کار خریداری املاک در ایران اقدام می‌کردم.

این برادرانم پول لازم برای خریدهای مذکور را از طریق ارسال چک و گاهی پول نقد و در بعضی موارد دادن فرش و جواهرات و سایر اموال بابت آنچه که برایشان می‌خریدم تأمین می‌کردند. . . . قصد ما این بود که من املاک را بفروشم و سود آنها را برایشان حواله کنم. در واقع من کارگزار و عامل خرید و فروش خانواده در ایران بودم (تأکید افزوده شده است).

در جلسه استماع، جبرئیل اریه مجدداً اظهار داشت که املاک را به نام خود و به حساب خواهانها خریداری کرده بود.

۲۷ - خواهانها به منظور مستند کردن اظهارات خود، يك وکالتنامه تنظیمی در سال ۱۹۶۹ را تسلیم کرده اند که به موجب آن، به جبرئیل و همسر وی اختیار داده شده که از طرف خواهانها اقدام نمایند. متن وکالتنامه به قرار ذیل است:

[جبرئیل اریه و ناوا یدیدصیون] اجازه و اختیار دارند که به نام [خواهانها] و به نام يك یا هر دوی خودشان هر کدام که صلاح می‌دانند در انواع مستغلات در ایران سرمایه‌گذاری نمایند. جبرئیل اریه و ناوا یدیدصیون می‌توانند بدون اطلاع [خواهانها] هر ملک خریداری شده را به فروش رسانده و عوائد حاصله آن را مجدداً صرف سرمایه‌گذاری نمایند، تنها مشروط به اینکه گاهگاه در پاسخ به درخواست امضا کنندگان زیر، حسابهای آنها را

۲۸ - علاوه براین، خواهانها مکاتبات دستنوشته بین خود و جبرئیل اریه را تسلیم کرده اند که حسب ادعا مربوط به همان زمان خرید بوده و ظاهراً "مستند معاملاتی است که جبرئیل از طرف آنها انجام داده است. به علاوه، خواهانها در تأیید این اظهار که جبرئیل اریه مقادیر فراوانی ملك برای آن عده از برادران خود که ساکن ایالات متحده بودند خریداری می‌کرد، نامه های دیگری نیز تسلیم کرده اند که بین جبرئیل اریه و چند نفر از دیگر برادران خواهانها مبادله شده و طی آنها راجع به خرید زمین توسط جبرئیل برای آنان و پرداخت بابت خرید زمینهای مزبور توسط آن برادران بحث شده است. مضافاً، خواهانها اسناد مالکیت زمینهایی را که به نام جبرئیل اریه بوده ثبت نموده و ادعا می‌کنند که اسناد مزبور مربوط به زمینهایی است که به صورت انتفاعی به خواهانها تعلق دارد.

ب - اظهارات خواننده

۲۹ - خواننده به وکالتنامه ای که خواهانها به جبرئیل اریه داده اند ایراد گرفته، اظهار می‌دارد که "وکالتنامه مزبور بسیار غیرعادی و مشکوک به نظر می‌رسد". وی خاطر نشان می‌سازد که اگر توافق بین خواهانها و جبرئیل اریه این بوده که ملکی به نام جبرئیل به حساب خواهانها خریداری شود، در آن صورت نیازی به تنظیم وکالتنامه نمی‌بود. خواننده همچنین اظهار می‌دارد که تشریفات قانونی در مورد وکالتنامه مزبور انجام نگرفته و در نتیجه "در ایران سندی معتبر و قابل اجرا نیست".

۳۰ - در مورد نکته اخیر، خواهانها اظهار می‌دارند که وکالتنامه مزبور اجازه نامه ای از طرف آنها به جبرئیل اریه بوده که بتواند به نام خود یا همسرش ملك خریداری کند و سند مزبور به نحو موثری چنین اجازه ای را به جبرئیل داده است. در جلسه استماع، خواهانها اظهار

۴ این وکالتنامه مورخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۴۷ [۱۸ مارس ۱۹۶۹] بعداً با وکالتنامه مورخ ۲۷ آذرماه ۱۳۴۸ [۱۸ دسامبر ۱۹۷۰] که تقریباً مشابه آن است جایگزین شد. در جلسه استماع، خواهانها توضیح دادند که وکالتنامه دوم صرفاً "بدین جهت تنظیم شد که وکالتنامه اولی مفقود شده بود.

داشتند که وکالتنامه مزبور در واقع، و حداقل تا حدودی، اجرای تکلیف شرعی یا رسم کلیمیت بود مشعر بر اینکه معاملات، حتی در میان برادران، به صورت نوشته درآید.

۳۱ - در پاسخ به اظهار خواهانها که گفته اند آنها مالکان انتفاعی ملك هستند، خواننده استدلال می‌کند که قانون حاکم بر محل وقوع مال قانون ایران است و به موجب قانون ایران، فقط ملك ثبتي ملك مالك آن شناخته می‌شود. خواننده مضافاً استدلال می‌کند که چون املاك مورد بحث به نام خواهانها ثبت نشده، طبق قوانین ایران، خواهانها مالکین آن شناخته نمی‌شوند. در پاسخ به این نکته، خواهانها اظهار می‌دارند که گرچه قانون ثبت ایران مقرر می‌دارد که دولت شخصی را که ملك به نام او ثبت شده ملك می‌شناسد، اقرار مالك ثبتي مبنی بر اینکه سند مالکیت ملك را به نفع شخص دیگری در دست دارد مطلقاً منع قانونی ندارد. چنین اظهاری در قانون مدنی ایران "اقرار"^۵ نامیده شده که اقوی دلیل و مدرک است. خواهانها مضافاً استدلال می‌کنند که مالکیت منافع، در جائیکه دیگری مالك اسمی است، مبنای معتبر و شناخته شده ای برای دعاوی مطروح در این دیوان می‌باشد.

۳۲ - خواننده براساس ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران مضافاً استدلال می‌کند که "در واقع خواهانها در شرایطی اراضی مورد ادعا را مالك شده اند که فاقد اهلیت تمتع برای انتقال گرفتن مال غیرمنقول بوده اند". خواننده به ماده ۳۶۵ همان قانون استناد می‌نماید که مقرر می‌دارد "بیع فاسد اثری در تملك ندارد". بنابراین، حسب اظهار، معاملات انجام شده فاقد مشروعیت و اعتبار قانونی بوده و "نمی‌تواند سبب مملك شناخته شود". خواننده استدلال می‌کند که خواهانها هیچگاه قانوناً مالك اراضی مورد ادعا نبوده و نمی‌توانستند باشند.

ج - یافته های دیوان

۳۳ - دیوان اینک به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا خواهانها ثابت کرده اند که در هیچیک از املاکی که حسب اظهار، جبرئیل اریه برای آنها خریداری کرده علایق مالکیت انتفاعی

^۵ در ترجمه های مختلف از قانون مدنی ایران در مقابل "اقرار"، به جای کلمه "confession" کلمه "admission" به کار رفته است.

داشته اند یا خیر. در رویه قضایی دیوان کاملاً پذیرفته شده است که در اوضاع و احوال معینی، خواهانی که مالک ثبتي اموالی نیست می‌تواند مالک منافع مستلزم پرداخت غرامت در آن اموال شناخته شود. به عنوان مثال، بنگرید به: رضا نمازی و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم نهایی شماره ۳-۴-۵۷۵ مورخ ۲۰ آذرماه ۱۳۷۵ [دهم دسامبر ۱۹۹۶]، بند ۵۴، چاپ شده در - Iran-U.S. C.T.R. - ("نمازی")؛ جیمز ام. سقیع و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۲۹۸-۵۴۴ مورخ دوم بهمن ماه ۱۳۷۱ [۲۲ ژانویه ۱۹۹۳]، بندهای ۱۸-۲۶، چاپ شده در - Iran-U.S. C.T.R. -؛ سدکو، اینک و شرکت ملی نفت ایران و دیگران، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹ مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۶۶ [مفتم ژوئیه ۱۹۸۷]، چاپ شده در 15 Iran-U.S. C.T.R. 23, 101؛ هوارد نیدلز تامن اند برگندوف و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۶۸-۲۴۴ مورخ ۱۷ مردادماه ۱۳۶۵ [هشتم اوت ۱۹۸۶]، چاپ شده در 11 Iran-U.S. C.T.R. 302, 313؛ فورموسست تهران، اینک و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۱-۲۳۱/۳۷-۲۲۰ مورخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵ [۱۱ آوریل ۱۹۸۶]، چاپ شده در 10 Iran-U.S. C.T.R. 228, 239-40. دیوان همچنین قبلاً "نظر داده است که" برای اثبات يك چنین مالکیت انتفاعی... خواهان مکلف است ادله محکمی ارائه کند حاکی از اینکه خود وی در حقیقت مالک واقعی اموال بوده و نه شخصی که نامش به عنوان مالک قانونی ثبت شده است". نمازی، حکم شماره ۳-۴-۵۷۵، بند ۵۴، - Iran-U.S. C.T.R. at -.

۳۴ - بنابراین دیوان توجه خود را معطوف به ادله ای می‌نماید که خواهانها در اثبات اظهارات و ادعاهای موضوعی خود ارائه کرده اند. ادله مزبور مشتمل است بر: وکالتنامه خواهانها به جبرئیل اریه و همسرش؛ نامه های دستنویس و حسب اظهار، مربوط به آن زمان، بین جبرئیل اریه و خواهانها در توصیف معاملات انجام شده توسط جبرئیل از طرف آنها؛ نامه خواهانها به اداره ثبت اسناد وزارت دادگستری؛ و مکاتبات جبرئیل اریه با سایر افراد خانواده درباره سرمایه گذاری در مستغلات در ایران.

۳۵ - دیوان بدواً خاطر نشان می‌نماید که خواهانها ادله ای ارائه کرده اند حاکی از اینکه

معاملاتی توسط جبرئیل اریه از طرف افراد خانواده اریه که در ایالات متحده ساکن بودند انجام شده است. به عنوان مثال، وجود وکالتنامه هایی از خواهانها به عنوان جبرئیل اریه بطور اعم حاکی از وجود توافقی است که به موجب آن جبرئیل قرار بود برای خواهانها زمین خریداری کند. اینکه وکالتنامه ها هیچگاه عملاً "مورد استفاده قرار نگرفت الزاماً" حائز اهمیتی نیست، از این نظر که خواهانها، حسب اظهار، در اغلب موارد رضایت داشتند که ملک به نام خود آنها ثبت نشود و علاوه براین، در جلسه استماع توضیح دادند که منظور از تنظیم وکالتنامه ها در درجه اول، عمل به تکالیف شرعی یا عرفی کلیمیان در مورد معاملات بوده است.

۳۶ - لیکن اشکال اساسی در مطالبی که خواهانها ارائه کرده اند این است که دقیقاً "مشخص نکرده اند که جبرئیل اریه کدامیک از قطعات زمین را برای کدامیک از برادران خریده است. در این خصوص، ادله مستند چندانی در سوابق پرونده وجود ندارد که بین خواهانها و قطعات مشخصی از زمینهای مورد ادعای آنان ارتباط برقرار کند. خواهانها عمدتاً" به چند نامه دستنوشته که حسب ادعا، در همان زمان خرید نوشته شده و یا به سایر مکاتبات خود با جبرئیل استناد می‌کنند.

۳۷ - اولین نامه از جبرئیل اریه به خواهانها و تاریخ آن دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ [۲۲ آوریل ۱۹۷۲] است. جبرئیل می‌نویسد که "چند قطعه زمین مرغوب پیدا کرده ام که امید بسیار دارم قیمت آن خیلی بالا خواهد رفت. . . . بر حسب قراردادی که بین ما هست اگر شما مایل هستید مقداری پول و یا جنس برایم بفرستید تا بتوانم وارد معامله شوم". مکاتبه بعدی، به تاریخ هشتم بهمن ماه ۱۳۵۲ [۲۸ ژانویه ۱۹۷۴] و بدون امضاست. عنوان نامه عبارت است از "حواله جنس" و چنین شروع می‌شود "ما امضاً کنندگان زیر به حساب آقای جبرئیل اریه اجناس زیر را حواله می‌کنیم با قیمت منصفانه -/۱۲۰,۰۰۰ - ۱۰۰,۰۰۰ دلار" و در ذیل آن، فهرستی از چندین قالی ابریشم و چندین قطعه جواهر آمده است.

۳۸ - نامه بعدی، به تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۲ [ششم فوریه ۱۹۷۴] و به عنوان خواهانهاست، اما امضا ندارد. متن نامه چنین است:

خوشحالم به اطلاع شما برسانم که املاکی که خریداری کرده ام حتی بیش از آنچه که فکر می‌کردم ترقی قیمت پیدا کرده و هیچ شکی ندارم که سرمایه‌گذاری خیلی عاقلانه‌ای کرده‌ایم. ضمناً این طرح شما را قبول دارم که حواله یک صد هزار دلاری، بابت ۱۰ درصد بیعانه جهت خریدهای کنونی و آتی به حساب من منظور شود. شماره اسناد مالکیت زمینهایی که برای شما خریده‌ام به این شرح است: اسناد شماره ۳۶۷/۱۹۰۴ و ۵۲/۳۶۲.

۳۹ - نامه سوم از طرف خواهانها به وزارت دادگستری ایران است که طی آن به وزارت دادگستری اطلاع داده شده که جبرئیل اریه قطعات زمینی "در حدود هیجده ماه اخیر" از طرف خواهانها خریداری کرده است. نامه چنین ادامه می‌یابد:

برادر من، جبرئیل، در موقع تنظیم اسناد مالکیت توسط آن وزارت، به شما اطلاع داد که وکالتاً از طرف برادران آمریکایی خود عمل می‌کرد. در نتیجه، رونوشتی از اسناد مالکیت مربوطه و نامه دست‌نوشته برادرم که ضمن آن، وی تأیید کرده است که زمینها را برای ما می‌خریده، جوف این نامه ارسال می‌شود. بنابراین بسیار ممنون خواهیم شد که اسناد مزبور را به نام اینجانبان منتقل فرمایید.

در جلسه استماع، از خواهانها و جبرئیل اریه سئوالاتی راجع به اصل و هدف نامه مزبور به عمل آمد و آنان توضیح دادند که نامه مزبور به علت بروز اختلاف نظر در خانواده نوشته شد و ناشی از این بود که همسران خواهانها نگران بودند که اموال شوهرانشان به نام جبرئیل اریه ثبت شده است و نگرانی آنها بعضاً "بدین علت بود که همسران خواهانها، حسب ادعا، در پرداخت قیمت خرید املاک مذکور سهم بوده اند. حسب اظهار، خواهانها در اوج بروز اختلافات نامه را نوشتند به این منظور که اموال را به نام خود منتقل کنند. لیکن تحت سوالات دیوان، جبرئیل اریه تأیید کرد که وی در همان زمان متوجه بود که چنین نامه دست نوشته‌ای، آنهم به زبان انگلیسی، برای انجام عمل انتقال اسناد مالکیت در وزارت دادگستری مفید فایده‌ای نیست. وی گفت به این امید به خواست خواهانها رضایت داده بود که اختلاف از بین برود. هر سه برادر اظهار داشتند که اختلاف نظر مزبور با وساطت یک عضو ارشد خانواده برطرف شد و جبرئیل بعد از آن نیز به خرید ملک به نام خود و برای خواهانها ادامه داد.

۴۰ - خواهانها برای تحکیم بیشتر اظهارات خود، چهار نامه دستنوشته دیگر اعضای خانواده و يك تلکس تسلیم کرده اند. مهمترین این نامه ها (از آن جهت که خطاب به خواهانانین هست) نامه مورخ ۲۴ آذرماه ۱۳۵۵ [۱۵ دسامبر ۱۹۷۶] از جبرئیل خطاب به نوریل، ساموئل، امانوئل، اوریل، عوزیل و الياهو اریه است که در آن، وی تأکید کرده است که زمینی برای هر يك از این برادران خریده است. در بخشی از این نامه آمده است "طبق درخواست عوزیل و الياهو، من برای آنها قطعه زمین کوچکی، مجاور زمین شما به مساحت ۲۲۵۰ مترمربع برای آنها خریداری کرده ام".

۴۱ - نامه های دیگر اعضای خانواده عبارتند از: نامه ای از جبرئیل به امانوئل به تاریخ ۱۴ آبانماه ۱۳۵۵ [پنجم نوامبر ۱۹۷۶] در تأیید وصول چکهایی توسط جبرئیل جهت خرید زمین و ضمناً درخواست از امانوئل که "به دیگران اطلاع بدهد"؛ نامه ای از جبرئیل به امانوئل به تاریخ سوم آذرماه ۱۳۵۵ [۲۴ نوامبر ۱۹۷۶] راجع به پیشرفت کار قرارداد يك زمین و درخواست از وی برای امضای چند سند؛ نامه بدون تاریخی از امانوئل به جبرئیل راجع به محدود کردن سرمایه گذاری جبرئیل در زمین از طرف وی، و تلکسی به تاریخ عجیب و نامفهوم "۱۰/۲۱" از تهران (فرستنده نامعلوم) به امانوئل راجع به اینکه معامله ای بزودی انجام خواهد شد و سؤال راجع به شماره حساب اوریل.

۴۲ - بنابراین، بطور خلاصه، تنها نامه ای که صراحتاً خواهانها را به قطعه زمین مشخصی که موضوع دعواست ارتباط می دهد، نامه مورخ ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۲ [ششم فوریه ۱۹۷۴] است که در آن، به شماره های اسناد مالکیت مربوط به قطعات زمینهایی اشاره شده که موضوع دعوی حاضر است.^۶ لیکن این نامه فاقد امضاست، و این امر، از ارزش اثباتی آن بطور قابل ملاحظه ای می کاهد.

^۶ شماره اسناد مالکیت مورد اشاره در نامه مزبور عبارتند از ۳۶۷/۱۹۰۴ و ۵۲/۳۶۲. شماره ۳۶۷/۱۹۰۴ مربوط است به شماره های روی سندی که کلیه صفحات آن در پرونده های حاضر ثبت شده است. شماره ۵۲/۳۶۲ بعضاً مربوط است به سندی که در پرونده های حاضر ثبت شده و بقیه شماره این قطعه زمین در سند جداگانه دیگری ثبت گردیده که به نام همسر جبرئیل، ناوا دیدیسیون بوده در سوابق پرونده حاضر موجود نیست.

۴۳ - نقطه ضعف دیگر کلیه نامه های تسلیمی (بجز تلکس بدون امضا به عنوان امانوئل اریه) این است که به صورت دستنوشته و از نظر سبک نگارش غیررسمی هستند. چند فقره از نامه ها یا فاقد تاریخ است یا فاقد امضا. با آنکه اصولاً "غیرمنطقی نیست که افراد خانواده نامه های دستنویس با یکدیگر مبادله کنند، لیکن دلایل اثباتی مستقلاً مانند رسیدهای پست سفارشی یا پاکتهای مهور به مهر پست وجود ندارد که نشان دهد نگارش یا دریافت آنها در همان زمان صورت گرفته است.

۴۴ - مضافاً اینکه خواهانها ادله مستند دیگری ارائه نکرده اند که قطعاً در نتیجه معاملاتی از آن نوع که توصیف می‌کنند ایجاد می‌شود. مهمتر از همه اینکه، به استثنای نوشته دستی "حواله جنس"، خواهانها رسیدهها یا مدارکی ارائه نکرده اند که حاکی از پرداخت وجهی توسط آنها به جبرئیل باشد. خصوصاً بعد از بروز اختلاف خانوادگی مشروح در فوق (بنگرید به: بند ۳۹ بالا) عجیب است که هیچ کوششی در جهت نگهداری اسناد کافی به عمل نیامد. فقدان مستندات به ویژه از آن جهت غیرعادی است که برای خواهانها نسبتاً آسان بود که رسیدههایی مانند مدارک بانکی ایالات متحده را تهیه کنند. علاوه براین، اینگونه مدارک مسلماً در ایالات متحده نگهداری می‌شد زیرا خواهانها در آن زمان در آن کشور زندگی می‌کردند و امور تجاری خود را از آنجا انجام می‌دادند و بنابراین اسناد و مدارک آنها در معرض مصادره توسط مقامات انقلابی در ایران قرار نمی‌داشت.

۴۵ - شهادت جبرئیل اریه در جلسه استماع کمک چندان در تشخیص ارتباط بین خواهانها با قطعات مشخص زمین که به نام جبرئیل بود نکرد. در واقع، شهادت جبرئیل از چندین جهت مبهم بود و وی گهگاه از دادن پاسخ طفره می‌رفت. با آنکه وی فهرست اموالی را که حسب اظهار برای خواهانها می‌خرید ذکر می‌کرد، در پاسخ به سئوالات، راجع به نحوه پرداخت برای اموال مزبور، فقط به ذکر کلیات پرداخت و هیچگونه جزئیاتی از مدارک آن زمان راجع به پرداختها یا مالکیت اموال مختلف (مانند حواله اجناس، مدارک پرداختهای نقدی یا صورتحسابهای بانکی) که احتمالاً نگهداری کرده بود ذکر نکرد. وی از طرفی اظهار داشت که قرار و مدار بین برادران اریه طی مکالمات تلفنی و نامه ها به عمل می‌آمد، لیکن تلویحاً گفت که مدارک دیگری به صورت فهرست پرداختها یا حواله اجناس نیز احتمالاً

وجود داشته، لیکن نتوانست جزئیات دیگری از مدارک مزبور را ذکر کند. وکیل خواهانها نیز به هیچ صورتی قادر به کمک نبود جز اینکه گفت "آنها تصمیم گرفتند، او تصمیم گرفت، و آنها باتوجه به مقدار وجهی که در آن موقع در اختیار داشتند و فرصتهایی که جبرئیل در مواقع خاصی به دست می‌آورد و به آنها اطلاع می‌داد عمل می‌کردند. و آنها با یکدیگر در تماس بودند و راجع به آن صحبت کردند".

۴۶ - دیوان همچنین این معنا را در نظر دارد که چندین قطعه از زمینهای مورد ادعا در پرونده های حاضر بدواً مورد ادعای سایر برادران خواهانها، یعنی ساموئل، امانوئل، اوریل و نوریل اریه در همین دیوان بوده است. برادران مذکور ادعاهای کوچکی [یعنی دعاوی کمتر از مبلغ -/۲۵۰,۰۰۰ دلار] نزد دیوان اقامه کرده بودند که دولتهای ایران و ایالات متحده آنها را حل و فصل نمودند و نهایتاً توسط کمیسیون حل و فصل دعاوی خارجی ایالات متحده رسیدگی شد.^۷ تصمیم کمیته مزبور در تاریخ دوم شهریورماه ۱۳۷۳ [۲۴ اوت ۱۹۹۴] صادر شد و خواهانهای حاضر سه ماه قبل از تاریخ مزبور، یعنی در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ [دوم مه ۱۹۹۴] ادعاهای خود بابت اموال مشترک در دو دعوی را از پرونده های حاضر پس گرفتند. بنابراین هیچ مسأله تقلب از طرف خواهانها در میان نیست. با وجود این، احتمال رخداد چنین آشفتگی مؤید آن است که خواهانها و مشاوران آنها نتوانستند ارتباط روشنی بین خواهانها و قطعات مشخصی از املاکی که به نام جبرئیل اریه بوده برقرار کنند. در جلسه استماع، جبرئیل اریه نتوانست هیچگونه توضیحی راجع به دعاوی مضاعفی که بدواً در پرونده های برادرانش ایجاد شده بود، ارائه کند.

۴۷ - علاوه بر اینها، چند عامل دیگر نیز این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا زمینهای ثبت شده به نام جبرئیل اریه واقعاً متعلق به خود وی بوده یا اینکه بطور انتفاعی به نام خواهانها نگهداری می‌شده است. اول اینکه، جبرئیل اریه شخصاً قادر نبود ادعایی نزد این دیوان

^۷ بنگرید به: نوریل اریه و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران، تصمیم شماره ۲۳۶۵ آی آر مورخ دوم شهریورماه ۱۳۷۳ [۲۴ اوت ۱۹۹۴]، که در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۷۳ [پنجم اکتبر ۱۹۹۴] نهایی شد.

اقامه کند زیرا در سراسر دوره ذریبط، تنها تابعیت ایران را داشت.^۸ بنابراین، احتمالاً این انگیزه در وی ایجاد شده بوده که در این دیوان ادعا کند که عنوان مالکیت زمینهای مزبور را بطور انتفاعی از طرف برادران خود داشته است. با آنکه دیوان نیازی نمی‌بیند که در صحت اظهارات جبرئیل اریه یا خواهانها تردید کند، این واقعیت بطور قابل ملاحظه ای استدلال خواهانها را تضعیف می‌نماید که اظهار جبرئیل مبنی بر اینکه زمینها را بصورت انتفاعی داشته از نظر قانون مدنی ایران "اقرار" محسوب شده و بنابراین طبق قوانین ایران باید به عنوان اقوی دلیل در نظر گرفته شود.

۴۸ - دوم اینکه، جبرئیل اریه در جلسه استماع شهادت داد که وی علاوه بر اینکه به عنوان کارگزار شش نفر از برادران خود عمل می‌کرد، برای شخص، خود نیز املاکی در ایران خریداری کرده بود. این امر بر احتمال این آشفستگی می‌افزاید که آیا املاک مورد ادعا در پرونده های حاضر بطور انتفاعی برای خواهانها نگهداری می‌شده یا اینکه صرفاً متعلق به خود وی بوده است.

۴۹ - سوم اینکه، جبرئیل اریه در اشاره به ادعاهای خواهانها در لایحه مورخ ۲۴ اسفندماه ۱۳۶۹ [۱۵ مارس ۱۹۹۱] تسلیمی به دیوان، آنها را "دعای ما" خواند. در جلسه استماع، هنگامی که راجع به این موضوع از وی سؤال شد، وی تنها این توضیح را توانست بدهد که "من نماینده [خواهانها] هستم زیرا... اولاً... آنها نمی‌توانستند نوشته فارسی را بخوانند و علاوه براین... زیرا من تمام جزئیات اسناد را می‌دانستم و قادر بودم بهتر از آنها از این مدارک سر در بیاورم". در آن مورد نیز، با آنکه این امر به خودی خود تعیین کننده نیست، لیکن بر این عدم اطمینان می‌افزاید که آیا املاک مورد بحث در واقع بطور انتفاعی متعلق به خواهانها بوده است یا خیر.

۵۰ - باتوجه به عوامل فوق الذکر، توأم با قلت مدارک مستندی که خواهانها را با قطعات

^۸ جبرئیل اریه در جلسه استماع اظهار داشت که "تا دهه ۱۹۸۰" تبعه ایالات متحده نشده بود. بنابراین طبق مهلت صلاحیتی مقرر در بیانیه حل و فصل دعاوی، وی نمی‌توانست در این دیوان دعوایی بابت اموال مورد بحث اصالتاً اقامه کند.

مشخصی از زمینهای موضوع ادعا ارتباط دهد، دیوان متوجه این معناست که شاید برخی یا کلیه زمینهایی که به نام جبرئیل اریه بوده انتفاعاً برای خواهانها نگاهداری نمی‌شد. خواهانها نتوانسته اند مدارک کافی برای اثبات خلاف این امر ارائه کنند.

۵۱ - بطور خلاصه، دیوان متقاعد نشده است که ادله ارائه شده توسط خواهانها کافی است که مشخص کند جبرئیل اریه کدامیک از زمینها را برای خواهانها خریداری کرده بود. علاوه براین، خواهانها هیچگونه ادله مستقلى حاکی از پرداخت وجهی به جبرئیل اریه بابت خرید زمینهای مزبور یا در واقع، مدارک دیگری ارائه نکرده اند که بطور معمول در معاملاتی از آن نوع که خواهانها توصیف می‌کنند بوجود می‌آید. در نتیجه، دیوان متقاعد نشده است که زمینهایی که جبرئیل اریه خریداری کرده به نام خود او اما برای خواهانها بوده تا بر آن اساس، خواهانها مالکین انتفاعی آن زمینها باشند.

۵۲ - بنا به ملاحظات پیشگفته، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهانها از عهده اثبات این امر برنیامده اند که آنان صاحب مالکیت انتفاعی در زمینهایی بوده اند که توسط جبرئیل اریه خریداری شده است.

۲ - دعای میثنی بر وصیتنامه یحیی اریه

الف - اظهارات خواهانها

۵۳ - خواهانها اظهار می‌دارند که طبق وصیتنامه پدرشان، یحیی اریه، هر يك از آنان سه دانگ از زمینی به مساحت تقریبی ۱۰۰،۰۰۰ مترمربع در کرج را به ارث برده اند.

۵۴ - خواهانها برای اثبات اظهارات خود، نسخه ای از وصیتنامه یحیی اریه را تسلیم کرده اند که ظاهراً در تاریخ ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۱ [۱۳ فوریه ۱۹۷۳] تنظیم شده و در بخش زیربند آن آمده است که "به دلایلی که فقط بر خود من و همسر من دانسته است به این وسیله وصیت می‌کنم که کلیه یکصد هزار متر زمینی را که در وردآورد کرج در تهران، ایران، دارم به دو تن از فرزندانم، یعنی عوزیل و الیاهو داده بشود". به علاوه، خواهانها نسخه ای از

گواهینامه فوت پدرشان را تسلیم کرده اند که نشان می‌دهد وی در تاریخ دهم مردادماه ۱۳۵۴ [اول اوت ۱۹۷۵] در نیویورک فوت کرد. در نتیجه خواهانها اظهار می‌کنند که به مجرد فوت پدرشان در تاریخ دهم مردادماه ۱۳۵۴ [اول اوت ۱۹۷۵]، هریک از آنان مالک نیمه از زمین متعلق به پدرشان در کرج شدند.

۵۵ - خواهانها در تحکیم بیشتر ادعای خود، اسناد مالکیت زمینی واقع در کرج در ایران را تسلیم کرده اند که در هنگام فوت یحیی اریه متعلق به وی بوده و حسب اظهار، به ارث به خواهانها رسیده است. اسناد مزبور نشان می‌دهند که یحیی اریه در ۱۴ قطعه زمین مالکیت مشاع داشته و مالک تمامی قطعه دیگری بوده است. کل مساحت زمینهای متعلق به یحیی اریه ۱۰۳،۲۱۱ مترمربع بوده و قطعات مزبور را وی در سال ۱۹۶۹ خریداری کرده بود.

۵۶ - توضیح جبرئیل اریه، برادر خواهانها، راجع به اینکه چرا پدرشان از میان ۱۱ فرزند خود تنها به عوزیل و الیاهو ارث اضافی داده چنین است:

گرچه در وصیتنامه ذکر نشده، ولی من دلیل پدرم را برای این میراث خاص می‌دانم و این بود که این دو پسر خاخام شده و عمر خود را وقف خدمت به آموزش و علایق معنوی جامعه کلیمی کرده بودند و به فکر کسب و تجارت نبودند.

دو نامه به تاریخ ۲۸ مردادماه ۱۳۵۴ [۱۹ اوت ۱۹۷۵] توضیح فوق را تأیید می‌نماید. دو نامه مزبور را خاخامی به نام بنجامین کامینتسکی، که ظاهراً "خاخام خانواده اریه بوده، نوشته و طی آنها توضیح فوق را به نفع خانواده اریه تأیید کرده است.

ب - اظهارات خواننده

۵۷ - خواننده در لوایح خود به صحت وصیتنامه یحیی اریه به دو دلیل ایراد گرفته است. دلیل اول این است که حسب اظهار، اجرای وصیتنامه موکول و مشروط به فوت همسر یحیی اریه بوده است و دلیل دوم آنکه، حسب اظهار، وصیتنامه مزبور با اصول دین یهود منافات داشته و بنابراین غیرمعتبر است.

۵۸ - در مورد ادعای مشروط بودن وصیتنامه، خواننده در تذکاریه خود اظهار داشته است که یحیی اریه برای اعتبار وصیتنامه خود شرطی قایل شده بود و آن این که وی بعد از همسرش فوت کند. خواننده خاطر نشان می‌نماید که خواهانها گواهی فوت همسر یحیی اریه را تسلیم نکرده اند که نشان دهد وی قبل از شوهرش فوت کرده بود. بخش ذریبط وصیتنامه به شرح زیر است:

کلیه شرایط این وصیتنامه و مفاد آن در صورتی که من بیش از زوجه عزیزم عمر بکنم قوت اجرایی می‌یابد اما اگر من پیش از زوجه ام فوت کنم کلیه دارایی‌ها و اموال و املاک من به او تعلق خواهد گرفت. هر تصمیمی که او بگیرد، چه با مراتب فوق در این وصیتنامه موافق و چه با آن مغایر باشد کاملاً معتبر خواهد بود و جایگزین کلیه شرایط و مواد فوق می‌شود.

۵۹ - در پاسخ به نکته فوق، خواهانها گواهی فوت مادرشان، ملکه اریه، را ارائه کرده اند، که نشان می‌دهد وی در تاریخ ۲۲ دیماه ۱۳۵۲ [۱۲ ژانویه ۱۹۷۴] یعنی متجاوز از يك سال و نیم قبل از شوهرش فوت کرده بود.

۶۰ - ایراد دوم خواننده به صحت وصیتنامه آن است که، حسب اظهار، مخالف با موازین شرعی یهود بوده و در نتیجه معتبر نمی‌باشد. خواننده استدلال می‌کند که در ایران، مبحث وراثت جزئی از مباحث ناظر بر احوال شخصیه است و بدین جهت، حسب اظهار، موصی مکلف بوده قوانین ایران در مورد وراثت را در وصیتنامه مجری بدارد، اگر چه مقیم خارج از ایران بوده باشد. چون پدر خواهانها کلیمی ایرانی بود پس قانون حاکم، حسب ادعا، شامل "قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم، مصوب ۱۳۱۲" می‌شود که مقرر می‌دارد قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب ایرانیان غیر شیعه - در این مورد، مذهب یهود - باید نسبت به وصیتنامه های آنان رعایت شود.

۶۱ - خواننده نظریه ای از انجمن کلیمیان تهران اخذ کرده که در آن آمده است که وصیتنامه خواهان "از لحاظ شرع مقدس حضرت موسی کلیم الله موضوعیت ندارد و در انطباق با موازین شرعی نیست". هیچ توضیح بیشتری در باره این نتیجه گیری داده نشده است.

۶۲ - در پاسخ به اظهارات فوق، خواهانها يك نظریه حقوقی از خاخام اعظم پیشین جامعه

کلیمیان تهران تسلیم کرده، که ظاهراً از سال ۱۹۵۰ الی ۱۹۷۹ مسئول اظهارنظر رسمی در دادگاهها و نزد دولت ایران راجع به مسایل حقوقی طبق اصول مذهب یهود بود. نظریه خاخام یدیدیا شوفت بیان می‌دارد که:

نظر به اینکه [یحیی اریه] هیچیک از وراث خود را از دارایی‌ها و ثروت خود محروم نکرده و به دلخواه خود ماترك خویش را بین ورثه و فرزندان خود تقسیم کرده، لذا طبق دستور [چند کتاب و حقوقدان کلیمی]، اجرای کلیه مواد این وصیتنامه از نظر مقررات شرع یهود بلامانع و قابل اجرا می‌باشد.

۶۳ - خواننده ایرادات فنی دیگری نیز به صحت وصیتنامه مطرح کرده و اظهار می‌دارد که وصیتنامه مزبور غیرمعتبر است زیرا موضوع وصیتنامه در صفحه اول نوشته شده لیکن فقط صفحه دوم به امضای موصی رسیده است. علاوه براین، حسب اظهار، وصیتنامه فاقد مهر موصی است و تاریخ آن تغییر داده شده بدون آنکه مورد تأیید موصی قرار گیرد. خواننده استدلال می‌کند که نواقص مزبور وصیتنامه را از اعتبار ساقط می‌نماید.

۶۴ - چنانکه در بالا ذکر شد (بنگرید به: بند ۸ بالا)، دیوان طی دستور مورخ ۱۲ مهرماه ۱۳۷۴ [چهارم اکتبر ۱۹۹۵] از خواهانها درخواست کرد که اصل وصیتنامه را ارائه کنند تا چند روز پیش از جلسه استماع توسط خواننده واریسی شود. خواهانها در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۷۴ [چهارم مارس ۱۹۹۶] در پاسخ اظهار داشتند که با وجود جستجوی فراوان، موفق به یافتن آن نشدند. بنگرید به: بند ۶۹ زیر. دیوان طی دستور مورخ ۱۶ اسفندماه ۱۳۷۴ [ششم مارس ۱۹۹۶] اظهار "تأسف کرد که موضوع عدم امکان تسلیم اصل وصیتنامه زودتر از این به اطلاع دیوان نرسیده بود". در جلسه استماع، خواننده اظهار داشت که توضیح خواهانها درباره علت عدم ارائه اصل وصیتنامه قابل قبول نیست و اضافه کرد که دیوان نمی‌تواند به رونوشت وصیتنامه که در سوابق پرونده موجود است استناد نماید.

ج - یافته های دیوان

۶۵ - بنابراین دیوان به این موضوع می‌پردازد که آیا خواهانها طبق وصیتنامه پدرشان، یحیی اریه، مالکیت مال غیرمنقول را کسب کرده اند یا خیر.

- ۶۶ - اولین ایراد خواننده به صحت وصیتنامه یحیی اریه این بود که وصیتنامه مشروط به فوت قبلی مادر خواهانها بوده است. چنانکه در بند ۵۹ بالا ذکر شد، خواهانها گواهی فوت مادرشان را تسلیم کرده اند که نشان می‌دهد وی قبل از فوت شوهرش درگذشته بود. در نتیجه، دیوان متقاعد شده است که این پیش شرط مندرج در وصیتنامه احراز شده است.
- ۶۷ - ایراد دوم خواننده به صحت وصیتنامه بر این اساس بود که حسب اظهار، با قوانین دین یهود مناقات دارد. لیکن این اظهار تنها با یک اظهار کلی درباره عدم اعتبار وصیتنامه توسط یک مقام مذهبی کلیمی در تهران تأیید شده است. در مقابل آن، نظریه حقوقی که خواهانها گرفته اند بسیار مفصل و حاوی نظرات و آرای مستند است. دیوان ملاحظه می‌نماید که بطور کلی نوشته مزبور بیشتر قابل قبول به نظر می‌رسد و قابلیت قبول ظاهری آن از جهت مرجعیت نویسنده آن بیشتر می‌شود که سالهای بسیار، و از جمله در دوره ذریبط خاخام اعظم تهران بود. بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که وصیتنامه، حسب ظاهر، با قوانین دین یهود مغایر به نظر نمی‌آید و از آن جهت، غیر معتبر نیست.
- ۶۸ - لیکن آنچه که برای دیوان بیشتر تردید برمی‌انگیزد این است که وصیتنامه مزبور نه در ایالات متحده و نه در ایران هیچگاه جهت رسیدگی از حیث امور حسبی به دادگاه ابران نگردیده است. در جلسه استماع، وکیل خواهانها اظهار داشت که وکیل خانواده اریه در زمان فوت یحیی اریه توصیه کرد که وصیتنامه برای اجرای امور حسبی در نیویورک ثبت نشود و این توصیه را خانواده اریه پذیرفت، لاقلاً بعضاً" به این دلیل که "نمی‌خواست در نیویورک گرفتار مسایل مالیاتی شود". طبق اظهار امانوئل اریه، برادر خواهانها، وی از طرف دادگاه امور حسبی نیویورک، به عنوان مدیر ترکه یحیی اریه منصوب شده بود. وکیل خواهانها در جلسه استماع اظهار عقیده کرد که از نظر ایالت نیویورک، یحیی اریه بدون وصیتنامه فوت کرده است، لیکن به عقیده وی، قانون نیویورک قانون قابل اعمال در مورد وراثت اموال یحیی اریه در ایران نیست و در عین حال تأیید کرد که موضوع تعارض قوانین در میان است.
- ۶۹ - عدم ارائه اصل وصیتنامه توسط خواهانها نیز تردید برمی‌انگیزد. توضیح خواهانها، که با

شهادتنامه امانوئل اریه تأیید می‌شود، این است که اصل وصیتنامه مزبور نزد وکیل خانواده اریه در نیویورک نگهداری می‌شده و بعد از فوت آن وکیل، به بایگانی وی دسترسی حاصل نشد. چون خواهانها نتوانستند اصل وصیتنامه را پیدا کنند، در صدد برآمدند که وجود وصیتنامه را از طریق تسلیم شهادتنامه هایی به اثبات برسانند که در سال ۱۹۹۶ توسط شهود اصلی تنظیم وصیتنامه یحیی اریه، امضاً شده و طی آنها، شهود مزبور تأیید کرده اند که در سال ۱۹۷۳ شاهد تنظیم آن بوده اند. دیوان ملاحظه می‌نماید که هر دو شهادتنامه مزبور توسط اعضای خانواده نوشته شد، اولی توسط خانم رنه لانگزنر، مادر زن اوریل اریه و دومی توسط هری و رز آستر، والدین همسر عوزیل اریه. با آنکه قرینه ای در دست نیست که شهود مزبور از مفاد وصیتنامه یا از شهادت خود به نحوی منتفع می‌گردند، شهادتنامه های آنان با هیچگونه ادله اضافی تأیید نمی‌شود و راجع به وضعیت وصیتنامه در زمان فوت یحیی اریه در سال ۱۹۷۵، سوابق موجود در پرونده مقدار قابل ملاحظه ای تردید برجای می‌گذارد.

۷۰ - باتوجه به این واقعیت که وصیتنامه مزبور هیچگاه نه در نیویورک و نه در ایران به منظور اجرای امور حسبی ثبت نشد، و در نبود ادله مستقل در تأیید وجود وصیتنامه و نیز وجود تردید و عدم اطمینان راجع به محل و موثر بودن وصیتنامه در زمان فوت یحیی اریه، دیوان نتیجه می‌گیرد که وصیتنامه مزبور سندی آنچنان قابل استناد نیست که دیوان تصمیم خود را بر آن استوار نماید.

۷۱ - دیوان این موضوع را نیز مورد مذاقه و بررسی قرار داده است که آیا ادعای حاضر را به جای وصایت، باید براساس ارث تصمیم گیری کرد یا خیر. در این خصوص، دیوان ملاحظه می‌نماید که خواهانها در سراسر لوایح کتبی، این ادعا را به عنوان ادعایی مبتنی بر وصایت عرضه کرده اند. در جلسه استماع، وکیل خواهانها اظهار داشت که:

تصور غالب من این است که از نظر ایالت نیویورک، [یحیی اریه] بدون وصیتنامه فوت کرده است. در عین حال، ما معتقدیم که قانون نیویورک آن قانون حاکم که باید مورد بررسی این دیوان قرار گیرد نیست، و این دیوان باید چنین تلقی نماید که وصیتنامه مزبور به دیوان ارائه شده و خواهانها ادعای خود را در این جریان رسیدگی، بر مبنای آن اقامه کرده اند.

۷۲ - به نظر می‌رسد که مسایل حکمی و موضوعی ناظر بر وصایا در ایران از مسایل مشابه مربوط به ارث متفاوتند. در قوانین ایران، وصایا و ارث، موضوع دو رژیم حقوقی کاملاً متمایز هستند. در واقع، طبق قوانین ایران ظاهراً انتقال از طریق وصیت نوعی جنبه قراردادی دارد، در صورتی که انتقال از طریق ارث ناشی از اجرای قانون است. بنگرید به: مواد ۸۲۵ الی ۹۴۹ قانون مدنی ایران.^۹ باتوجه به این موارد تفاوت، بدیهی است که تعدادی از ملاحظات مهم راجع به ارث به دیوان ارائه نشده است، مانند: قانون حاکم بر موضوع (و از جمله، زیربط بودن احتمالی قوانین کلیمیت^{۱۰})؛ چه اشخاصی طبق قانون مربوطه ارث، وارث محسوب می‌شوند؛ میزان سهم الارث هر یک از وراث؛ و قانون مالیاتی زیربط. بطور خلاصه، به نظر دیوان، خلأ آشکاری که در سوابق موضوعی پرونده موجود است، پرونده‌های حاضر را از پرونده‌هایی نظیر فیوتورا تریدینگ، اینک و سازمان آب و برق خوزستان، حکم شماره ۳-۳۲۵-۱۸۷ مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۹ اوت ۱۹۸۵]، چاپ شده در 46 Iran-U.S. C.T.R. متمایز می‌سازد. در پرونده یاد شده، دیوان در موقعیتی بود که بتواند راجع به دعوا براساس فرضیه حقوقی دارا شدن غیرعادلانه تصمیم‌گیری کند با آنکه دعوا صرفاً به عنوان دعوای قراردادی اقامه شده بود. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که توجیهی برای اینکه دعوای حاضر برمبنای ارث تصمیم‌گیری شوند وجود ندارد.

۷۳ - باتوجه به این نتیجه‌گیری، و تصمیم دیوان مبنی بر اینکه وصیتنامه قابل استناد نیست، دیوان نظر می‌دهد که خواهانها نتوانسته‌اند ثابت کنند که از طریق ارث از پدرشان، مالک زمین واقع در کرج، ایران، شده‌اند. بنابراین، دعوای حاضر رد می‌شوند.

^۹ در قانون مدنی ایران، قسمت مربوط به وراثت به دو باب جداگانه تقسیم شده است، باب اول در وصایا و باب دوم در ارث.

^{۱۰} بنگرید به: قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم، مصوب ۱۳۱۲، که رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب متوفی نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت در آن ذکر شده است.

۷۴ - بنا به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

(الف) دعاوی خواهانها به دلیل عدم اثبات مالکیت خود بر املاک مورد اختلاف رد می‌شوند.

(ب) هر يك از طرفین هزینه های داورى مربوط به خود را تقبل خواهد کرد.

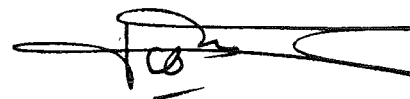
لايه، به تاريخ ۹ مهر ۱۳۷۶ برابر با ۱ اکتبر ۱۹۹۷



گایتانو آرانجو-روئیتس

رئیس شعبه سه

به نام خدا



محسن آقاسینی
موافق با نتیجه



ریچارد سی. الیسون